

تأثیر اعمال تحریم توسط کشورهای طرف موافقت‌نامه برجام در اجرای قراردادهای بالادستی بین‌المللی نفتی از دیدگاه نظام حقوقی ایران*

- فرهاد روهنی^۱
- سید نصرالله ابراهیمی^۲
- مجتبی زاهدیان^۳
- سید محسن حسینی پویا^۴

چکیده

نقض موافقت‌نامه برجام در اثر خروج و یا ادعای نقض آن و در نتیجه اعمال مجدد تحریم‌ها، آیا منجر به معافیت یا تعلیق قراردادهای صنعت نفت در حوزه بالادستی می‌شود؟ اینکه اعمال تحریم از مصادیق قوه قاهره و یا دشواری اجرای

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۷.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (rohanyfarhad@yahoo.com).
۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (snebrahimi@ut.ac.ir).
۳. استادیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (zahedian.mojtaba@yahoo.com).
۴. استادیار گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (m.hoseini.p@gmail.com).

قرارداد محسوب شود، موضوعی مورد اختلاف است. شرط اساسی وقوع قوه قاهره، قابل پیش‌بینی بودن حادثه و غیر قابل کنترل بودن است. مطابق با مفاد بندهای ۱۴ و ۱۵ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، تحریم‌های اعمال‌شده نسبت به قراردادهایی مؤثر است که بعد از تاریخ تحریم منعقد شده باشد. صرف وقوع تحریم نمی‌تواند منجر به وقوع قوه قاهره گردد؛ زیرا چنانچه تحریم قابل پیش‌بینی باشد، از مصادیق قوه قاهره نمی‌باشد. در این صورت ممکن است گفته شود که تحریم از مصادیق دشواری اجرای قرارداد تلقی شود. در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ تعذر اجرای قرارداد مورد اشاره قرار گرفته و در حقوق ایران پذیرفته شده است. لکن آنچه که در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی بیان شده است، صرفاً ناظر بر تعذر اجرای قرارداد در نتیجه تلف شدن مادی موضوع تعهد است که به سبب قوه قاهره حادث می‌شود که در قراردادهای نفتی، تلف مادی محقق نشده است؛ زیرا این نوع از قراردادهای نفتی مستمر است. به همین دلیل در اصلاحیه اخیر تحت عنوان «مقررات ناظر بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی» صراحتاً بیان شده که در هنگام تنظیم قرارداد باید بندهای ۱۴ و ۱۵ قطعنامه ۲۲۳۱ رعایت شود. این موضوع دلالت بر این دارد که تحریم دیگر به عنوان یکی از مصادیق قوه قاهره در قراردادهای بالادستی صنعت نفت تلقی نخواهد شد. بنابراین مقتضی است تحریم از مصادیق دشواری اجرای قرارداد تلقی گردد که منجر به تعدیل قرارداد خواهد شد.

واژگان کلیدی: تحریم، موافقت‌نامه برجام، قراردادهای بالادستی نفتی، قوه قاهره، دشواری اجرای قرارداد.

مقدمه

بعد از انعقاد موافقت‌نامه برجام بین ایران و کشورهای ۱+۵ و ایجاد تعهدات برای طرفین و پیش‌بینی ضمانت اجرای نقض برجام که در مقدمه آن، ارجاع موضوع به کمیته حل اختلاف پیش‌بینی شده است که در صورت اثبات تخلف، اعمال مجدد تحریم‌ها را در بر دارد و این نقض یا در اثر خروج کشورهای عضو است یا در اثر اثبات عدم رعایت مقررات برجام، که در نهایت اثبات نقض برجام نیز باید در شورای پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه برجام مورد بررسی قرار گیرد و در صورت تأیید تخلف از سوی شورای مذکور، منجر به اعمال تمام تحریم‌های شورای امنیت به استناد قطعنامه

شماره ۲۲۳۱ خواهد شد. از طرفی اصل لزوم قراردادهای در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است که به موجب این اصل، طرفین قرارداد باید به مفاد تراضی خود پایبند باشند و خروج از این شرایط قابل قبول نیست و نقض برجام از سوی کشورهای طرف برجام منجر به اعمال تحریم‌ها می‌شود. تحریم به عنوان یک حادثه خارجی ممکن است مانع اجرای قرارداد و در نتیجه منجر به معافیت در اجرای قرارداد شود. از طرفی به لحاظ حقوقی، قراردادهای نفتی قراردادهای استراتژیکی هستند که به دو قسمت عمده بالادستی و پایین‌دستی تقسیم می‌شوند. قراردادهای بالادستی در اثر سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی با ایران در سه حوزه اکتشاف، توسعه و استخراج که به موجب قانون تعریف شده است، با بیع متقابل آغاز و در نهایت با قراردادهای نسل چهارم معروف به ipc تکمیل شده است. با توجه به تحولات قراردادهای نفتی در مقررات جدید ایران که منجر به تدوین قراردادهای بالادستی نفتی معروف به ipc شده و از طرفی نقض موافقت‌نامه برجام از ناحیه کشورهای عضو آن همانند آمریکا و احتمال مجدد اعمال تحریم از ناحیه این کشور یا حسب مورد از ناحیه شورای امنیت به استناد قطعنامه ۲۲۳۱ نسبت به کشورهای طرف قرارداد با ایران، چه اثری ایجاد می‌کند؟ آیا موجب عدم اجرای قرارداد می‌شود؟ و آیا کشورهای طرف قرارداد با ایران مکلف به اجرای تعهدات خود در چارچوب مفاد برجام می‌باشند یا اینکه اصولاً چنین تحریمی به منزله تحقق فورس‌ماژور^۲ خواهد بود؟ با وجود تحریم‌هایی که در اثر نقض برجام اعمال می‌شود، چه وضعیتی در اجرای قراردادهای نفتی که بعد از انعقاد برجام تا زمان خروج و نقض آن منعقد شده است، ایجاد می‌شود؟ پاسخ به این سؤالات، مستلزم بررسی مفهوم موافقت‌نامه برجام و ماهیت آن می‌باشد.

در این نوشتار ابتدا به بررسی مفهوم برجام و ماهیت آن پرداخته شده، سپس نقض برجام و مفهوم تحریم^۳ و تقسیم‌بندی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت به بررسی آثار و تبعات و ضمانت اجرای نقض برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت خواهیم

1. IPC: Iran Petroleum Contract.
2. Force majeure.
3. Sanction.

پرداخت. وضع جدید تحریم‌ها منجر به تحقق تعذر یا تعسر خواهد شد و از آنجا که در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، اثر تعذر در اجرای قرارداد عنوان شده که ناظر بر تلف موضوع قرارداد است، لکن چون تحریم‌ها قابل پیش‌بینی است، نمی‌تواند به عنوان تعذر محسوب شود. بنابراین اعمال تحریم‌ها توسط ایالات متحده آمریکا در اجرای قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران، در شمار مصادیق فورس‌ماژور محسوب نمی‌شود؛ بلکه از مصادیق دشواری (هاردشیپ) تلقی می‌گردد و اصولاً نهاد قانون‌گذاری در ایران در اصلاحیه اخیر خود تمهیداتی را برای مقابله با اعمال تحریم‌ها در مقررات داخلی پیش‌بینی نموده است که به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. مفهوم برجام

برجام در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ بین ایران و شش کشور قدرتمند جهانی در خصوص مذاکرات در مورد برنامه هسته‌ای ایران که از سال ۲۰۰۶ آغاز شده بود، در قالب برنامه جامع اقدام مشترک^۱ تشکیل گردید (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۶: ۴۸). در واقع، برجام اقدام مشترک و توافق چندجانبه بین‌المللی در موضوع فعالیت‌های هسته‌ای بین ایران و پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل به اضافه آلمان است (بامری، ۱۳۹۷: ۳۰). این توافق به لحاظ ماهیت و موضوع و شکل، یکی از نادرترین توافقات بین‌المللی است. به موجب مندرجات برجام، در چارچوب اختیاراتی که به تیم مذاکره‌کننده اعطا شده بود تا مذاکره در حوزه هسته‌ای صورت گیرد، تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با موضوع هسته‌ای رفع شد.

۱-۱. رابطه قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت با برجام

قطعنامه و برجام دو ساختار جداگانه و ماهیت متفاوت دارد و یکی از دلایل این موضوع، مفاد بند ۱۸ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است که اعلام نموده است مفاد این قطعنامه به منزله مفاد برجام نیست. هدف از تصویب این قطعنامه، تأیید مفاد برجام و خاتمه دادن به قطعنامه‌های تحریمی و ایجاد محدودیت‌های خاص از جمله محدودیت‌های نظامی است؛ زیرا در حالت کلی، هدف اصلی قطعنامه، رفع تحریم در زمینه اجرای

1. The joint comprehensive plan of action (jcpoa).

برجام است و معیار اینکه برجام سند توافق حقوقی باشد یا غیر آن، قصد طرفین است. بنابراین برجام یک موافقت‌نامه سیاسی و نزاکتی است. می‌توان گفت که چون برجام به شورای امنیت برده شده، سندی یک‌جانبه و وابسته به سازمان ملل است. ادبیاتی که برای برجام پیش‌بینی شده است، با ساختار حقوقی تصویب معاهدات متفاوت است.

شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ اشعار می‌دارد که هر بخش از برجام، بخشی از قطعنامه شورای امنیت است و این سند، بخشی از اعتبار خود را از قطعنامه شورای امنیت می‌گیرد و به همین دلیل، لازم نیست که آن را معاهده تلقی نمود. توافق برجام بر مبنای حقوق بین‌الملل منعقد شده است؛ اما طرفین مناقشه هیچ‌گاه به معاهده بودن آن اشاره نکرده‌اند. بند ۶ برجام به اصول منشور ملل متحد اشاره کرده و تأکید دارد که برجام در چارچوب اصول منشور است (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۴). در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که برجام موافقت‌نامه بین‌المللی نزاکتی است و قطعنامه شورای امنیت اثری جداگانه دارد و نقض قطعنامه به نقض برنامه جامع اقدام مشترک نیست؛ اما نقض مندرجات برجام، نقض قطعنامه است و خروج از برجام با توجه به تحلیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به منزله نقض است. به بیان دیگر، نقض قطعنامه به منزله نقض برجام نیست، اما نقض برجام محتمل است که به معنای نقض قطعنامه و برجام باشد؛ با این توضیح که تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، منجر به تعلیق ۷ قطعنامه تحریمی شده است که این هفت قطعنامه تحریمی عبارت‌اند از: ۱۸۳۵، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷. بنابراین نقض برجام از ناحیه کشور عضو به منزله خاتمه دادن تمام تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران است (دلخوش، ۱۳۹۶: ۳). مفاد برجام در بخش حقوقی آن در پاره‌ای موارد با اجبار و بعضاً مبهم است. بر اساس بند ۳ برجام، قراردادهایی که میان ایران و اشخاص ایرانی با طرف دیگر پیش از تاریخ اعمال آن‌ها امضا شده باشد، دارای اثر نیست. قطعنامه ۲۲۳۱ متذکر می‌شود که بازگشت‌پذیری تحریم‌ها در صورت اجرا نکردن برجام، به قراردادهای تجاری از طریق قراردادهای نفتی بین ایران و اشخاص حقوقی و حقیقی خللی وارد نمی‌کند. در خصوص قراردادهای تجاری به طریق قراردادهای مشمول این مسئولیت خواهند شد که منطبق با برجام و قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت باشد (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۴).

۲. مفهوم تحریم

در پاسخ به این سؤال که آیا تحریم و خروج از برجام و اعمال تحریم را در گروه فورس‌ماژور یا غیر آن قرار دهیم؟ ابتدا باید مفهوم تحریم را از دیدگاه حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار دهیم (ضیایی و تلبا، ۱۳۹۴: ۲۲) تا ببینیم که آیا ریسک‌ها در قراردادهای نفتی مشمول فورس‌ماژور می‌شود یا خیر؟ تحریم عبارت است از اقدامات سیاسی، اقتصادی یا نظامی که از طریق سیستم دسته‌جمعی بر علیه ناقضان حقوق بین‌الملل اعمال می‌شود (همان). قراردادهای نفتی در حوزه بالادستی به دلایل شرایط خاص ممکن است با ریسک‌های متعددی مواجه باشند. ریسک اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تغییرات قیمت دلار، تغییرات اقلیمی و شرایط سیاسی، همگی ریسک‌هایی هستند که ممکن است اجرای قراردادهای نفتی با آن‌ها مواجه شود (ابراهیمی و جواندل جانانلو، ۱۳۹۴: ۳۷). حال آیا تحریم‌های ناشی از نقض برجام که به عنوان ریسک سیاسی قراردادهای نفتی مطرح است، منجر به معافیت اجرای قرارداد خواهد شد؟ آیا تحریم یک کشور می‌تواند ریسکی را ایجاد کند که منجر به اعمال و قرار گرفتن در فورس‌ماژور گردد؟ در ابتدا به تقسیم‌بندی تحریم و سپس به بررسی مصادیق تعذر و تعسر پرداخته می‌شود.

۲-۱. مفهوم فقهی تحریم

تحریم در مقابل تحلیل، به معنای حرام قرار دادن چیزی است، و حرام در مقابل حلال، چیزی است که مکلف ملزم به ترک آن است. از این رو، تحریم یا تحلیل چیزی، شأن شارع مقدس است؛ زیرا او تنها عالم به مصالح و مفساد واقعی اشیاء است (جعفری ملایر، ۱۳۹۵: ۱۶).

۲-۲. تلقی تحریم در قراردادهای بالادستی نفتی ایران به عنوان قوه قاهره

(تعذر)

عده‌ای معتقدند که تحریم به عنوان یک حادثه پیش‌بینی نشده و غیر قابل دفع تلقی می‌شود. بنابراین با وقوع آن، استناد متعهد به فورس‌ماژور قابل قبول است و منجر به ایجاد تعلیق، و اگر وقوع حادثه طولانی باشد، منجر به ایجاد معافیت می‌شود. لذا ابتدا

مفهوم قوه قاهره و شرایط تحقق آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. جهت ورود به این موضوع، ابتدا مفهوم لغوی قوه قاهره را تعریف نموده و سپس اصطلاح آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم

۳. مفهوم لغوی قوه قاهره

قوه در لغت به معانی متعدد از جمله: قدرت، انرژی، آمادگی ذهنی، استعداد، و با عبارت «شدید القوی» به کار رفته است. واژه قهر نیز در لغت با عباراتی نظیر «الغلبة والأخذ من فوق الطريق التذلیل» (فیومی مقری، بی‌تا: ۵۱۸/۲) یعنی غلبه و چیره شدن نیروی بالاتر) و «قهره (قهرًا) غلبه فهو القاهر» در همین معانی به کار برده شده است.

۳-۱. مفهوم اصطلاحی

علاوه بر حقوق موضوعه، به جهت سابقه طولانی این موضوع در فقه، به بررسی این اصطلاح در فقه و حقوق داخلی پرداخته می‌شود

۳-۱-۱. در حقوق ایران

واژه فورس ماژور که به قوه قاهره یا قوه قهریه ترجمه شده است، اصطلاحی در حقوق فرانسه است که ظاهراً نخست در قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) به کار رفته است که به معنای یک حادثه است و ترکیب این دو کلمه در معنای نیروی بزرگ غیر قابل مقاومت یا حادثه‌ای که نمی‌شود از آن جلوگیری کرد، به کار می‌رود (حاتمی، ۱۳۸۷: ۶۱). در حقوق ایران نیز که اصولاً متأثر از حقوق فرانسه است، این نهاد با نام اصلی خود یعنی فورس ماژور یا با معادل‌هایی نظیر قوه قهریه و قوه قاهره، وارد قوانین شده است. همان گونه که گاهی نیز بدون استفاده از این عنوان تنها به بیان ارکان و نتایج آن بسنده کرده‌اند.^۱ مقصود از قوه قاهره یا آفت ناگهانی، تنها حوادث قهری و طبیعی نیست و مفهومی وسیع‌تر دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۹۰/۲) که بر اساس ماده ۲۲۹

۱. ماده ۱۵۰ قانون دریایی: «الف- در صورتی که کشتی نتواند به علت قوه قهریه از بندر خارج شود، قرارداد اجاره برای مدت متعارف به قوت خود باقی می‌ماند و خسارت ناشی از تأخیر در حرکت کشتی قابل مطالبه نخواهد بود».

قانون مدنی، از آن به عنوان حوادث پیش‌بینی نشده نام برده شده است. قوه قهریه در حقوق بین‌الملل نیز پذیرفته شده است که عبارت است از حالتی اجتناب‌ناپذیر که در شرایط خاص ایجاد می‌شود و یا ناشی از رویدادهای خارجی می‌باشد که مانع ایجاد شده و موجب می‌گردد یک طرف معاهده امکان اجرای تعهدات بین‌المللی خود را نداشته باشد و باید از مقررات حقوق بین‌المللی پیروی نمایند و در نتیجه فورس‌ماژور، معافیت از مسئولیت بین‌المللی را برای کشور یا سازمان بین‌المللی که دچار حالت فورس‌ماژور شده و قادر به اجرای قرارداد یا معاهده نمی‌باشد، به همراه خواهد داشت (صفایی اصل، ۱۳۷۷: ۲۷).

۲-۱-۳. در فقه امامیه

فقه اسلامی به ویژه فقه امامیه، گنجینه‌ای بس عظیم و شگفت‌انگیز است که تحسین هر دانشمند جویای عدالت را برمی‌انگیزد و به راحتی می‌توان ادعا کرد که کمتر مسئله‌ای از دید فقهای نامدار مخفی مانده است و ابعاد و مصادیق قوه قاهره با عنوان‌های متعددی چون آفت من الله، آفت سماوی^۱ (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۵۷/۲۳)، اسباب قهریه سماویه عظام و عذر خاص (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲۹/۴)، حدوث مانع، تلف و اتلاف (موسوی خویی، بی‌تا: ۲۰۷/۱)، حوادث طبیعی یا قهری (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶: ۲۸۱)، دخالت اجنبی، تخلف از اجرای عقد، تعذر وفای به عقد و تلف قبل از قبض (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲۹/۴) در کلمات فقها مطرح شده است. مهم‌ترین مباحث مربوط به قوه قاهره در فقه را باید تحت عنوان عذر جستجو کرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۸۷/۱). برخی در مورد اینکه چرا فقهای اسلامی درباره این موضوع، نظریه‌ای منسجم، جامع و یک‌جا ارائه نداده است، دلایلی ذکر می‌کنند؛ از جمله اینکه منشأ پیدایش، استقلال و رشد این نظریه در حقوق غرب، تکیه فراوان آن‌ها بر حفظ منافع فردی و در نتیجه نیروی الزام‌آور عقد بوده است. آن‌ها مشاهده کردند که این پافشاری گاه با علتی ناسازگار است و لذا برای حفظ نظام اجتماعی به دامن نظریاتی چون حوادث غیر مترقبه

۱. مثلاً برخی از فقها گفته‌اند که اگر مبیع قبل از تسلیم به مشتری در اثر آفت سماوی تلف شود، از مال بایع است.

پناه بردند؛ در حالی که حقوق اسلام گرفتار چنین معضلی نبوده است (سنه‌وری، بی‌تا: ۹۰/۶) و برخی فقها از تأثیر قوه قاهره تحت عنوان «بطلان کل عقد بتعدّر وفاء بمضمونه» که ادعای اجماع نیز بر آن شده است، یاد کرده‌اند (موسوی بجنوردی، بی‌تا: ۲۲۶/۵). با توجه به تمام مطالبی که از حقوق ایران و فقه امامیه مطرح شده است، اگر بخواهیم تعریف جامعی از قوه قاهره ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم: قوه قاهره حادثه‌ای است خارجی، غیر قابل پیش‌بینی، غیر قابل اجتناب که در تعهدات قراردادی موجب عدم امکان ایفای تعهد و متعاقباً رفع مسئولیت متعهد، و در الزامات خارج از قرارداد باعث نفی رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر و زیان وارده می‌گردد.

۴. مبانی تأثیر قوه قاهره در فقه امامیه

فقه جعفری به عنوان مبنای حقوق ایران، شامل اصولی است که تخطی از آن در حقوق متصور نیست. لذا قواعدی که می‌تواند در فقه مؤید موضوع حاضر باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴. قاعده لاضرر

مستتبط از قاعده لاضرر این است که هر گاه اجرای قرارداد، موجب ضرر غیر متعارف و سنگین برای متعهد باشد، به حکم منتفی بودن ضرر در احکام شرعی، اجرای قرارداد مستلزم ضرر نیز منتفی است. بنابراین حکم ضرری در اسلام وضع نشده است (سجادی، ۱۳۵۷: ۴۸۹/۳).

۲-۴. قاعده احسان

از جمله قواعدی که در هنگام تعدر اجرای عقد به کمک متعهد می‌شتابد، قاعده احسان است. بنابراین این قاعده می‌تواند یکی از مسقطات ضمان باشد. احسان در لغت به معنای نیکی کردن است و در اصطلاح، تصرف در مال دیگری بدون اذن مالک است، لکن برای دفع مضرت. بنابراین ثبوت ضمان بر محسن، سبیل بر اوست و سبیل بر محسن به طور کلی در شرع منتفی است؛ پس نتیجه می‌شود که ضمان بر محسن منتفی است (حسینی مراغی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

۳-۴. قاعده نفی عسر و حرج

کلمه حرج به معنای گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله: ضیق، تنگی، تنگنا، و گفته شده است:

«حرج در اصل به معنای اجتماع و انبوهی شیء است؛ به گونه‌ای که موجب حصول ضیق و تنگی میان آن اشیا باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۲/۱).

برخی از علما گفته‌اند:

«به طور کلی، عسر و حرج آن است که مستلزم مشقت شدیدی باشد که مردم عادتاً آن را تحمل نمی‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱۸۳/۱).

بنابراین در مواردی که وسع انسان به انجام کاری نمی‌رسد، تکلیف مولوی به آن تعلق نمی‌گیرد. مستنبط از آیات فوق می‌توان گفت که متعهد نیز چنانچه در اثر آفات سماوی نتواند به تعهد خود عمل کند، در این ایام، تعهد از او ساقط است؛ چون انجام آن‌ها مستلزم مشقت و حرج است.

۴-۴. قاعده استیمان

استیمان در لغت به معنای امین شمردن و در اصطلاح عبارت است از استیلا بر مال دیگری به اذن او (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۹۵). نتیجه اینکه متصرف مال در اثر عقود نظیر ودیعه، اجاره، مضاربه، مزارعه و امثالهم، چنانچه در استعمال و استفاده از اموال تعدی و تفریط ننماید، ضامن نخواهد بود.

۵-۴. قاعده «بطلان کلّ عقد بتعذر الوفاء بمضمونه»

به موجب این قاعده در فقه، وقتی متعاقدین پس از انعقاد عقدی، به سببی نتوانند به مفاد آن وفا کنند، آن عقد به علت تعذر و عدم امکان وفا به عهد باطل می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۹: ۹۵). این معنا در فقه، تحت عنوان قاعده «بطلان کلّ عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» (طباطبایی قمی، بی‌تا: ۱۵۲) بیان می‌شود که در تمام عقود و معاملات حتی عقود اذنی جاری است. البته منظور از بطلان در این قاعده معنای اعم بطلان می‌باشد که موارد بطلان ذاتی و ابتدایی عقد و همچنین موارد انفساخ و فساد را نیز شامل می‌شود (آمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۲/۱).

۵. شرایط تأثیر قوه قاهره در فقه امامیه و حقوق موضوعه

به استناد مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران، یکی از اوصاف و شرایط قوه قاهره، خارجی بودن حادثه است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۰۶/۴) با دخالت شخص ثالث. دوم اینکه حادثه خارجی قابل دفع و جلوگیری نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵/۳) که این مفهوم نیز از ماده ۲۰۲ قانون مدنی کاملاً قابل استنباط است.^۱ سوم اینکه حادثه قابل پیش‌بینی نباشد. بنابراین فورس‌ماژور وقتی تحقق پیدا می‌کند که شخص نتواند حادثه را پیش‌بینی کند که از مفهوم خارجی بودن نیز این مهم استنباط می‌شود. قسمت اخیر ماده ۲۲۷ قانون مدنی نیز مؤید این مطلب است.

۱-۵. خارجی بودن حادثه (موانع خارجی) عدم دخالت متعهد

در این قسمت، به بررسی آن دسته از موانع اجرای مفاد قرارداد می‌پردازیم که خارج از اراده طرفین قرارداد هستند. فقهای بزرگ به جستجوی مفهوم حادثه و شرایط آن پرداخته و از بلاهای آسمانی زمینی به عنوان مصداق‌های مسلم آن یاد کرده و بیان داشته‌اند:

((به نظر می‌رسد باید حوادثی مانند دزدی و غارت را نیز که در آن‌ها نمی‌توان حادثه را به شخص معینی منتسب ساخت، به مصادیق آن افزود)) (نجفی، ۱۹۸۱: ۸۷/۲۴).

خارجی بودن حادثه بدین معناست که تعذر عارض شده نباید در نتیجه اقدام خود متعهد باشد. منظور از این شرط آن است که حادثه موردنظر نباید اختصاص و ارتباطی با شخص متعهد داشته باشد؛ بلکه عذری پذیرفته می‌شود که همگان را تحت تأثیر خود نهاده باشد، مانند بارش برف سنگین (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۳۲۹/۴). همچنین علتی که موجب ناممکن شدن اجرای قرارداد و عدم ایفای تعهدات ناشی از آن می‌گردد، نباید قابلیت استناد به متعهد را داشته باشد؛ وگرنه چنانچه این علت معلول اقدامات شخص متعهد باشد، کماکان مسئول عدم اجرای قرارداد خواهد بود و مسئولیت وی در این

۱. اگرچه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در شخص باشعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید می‌کند، به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه‌آمیز، سن و شخصیت و اخلاق زن یا مرد بودن باید در نظر گرفته شود.

رابطه زایل نخواهد گردید و قابلیت استناد به متعذر شدن اجرای قرارداد از وی سلب خواهد شد. در حقوق موضوعه نیز به استناد مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران، یکی از اوصاف و شرایط فورس ماژور خارجی بودن حادثه است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۰۶/۴).

۲-۵. غیر قابل پیش‌بینی بودن حادثه

یکی از مهم‌ترین شرایطی که در تحقق قوه قاهره مؤثر است، قابل پیش‌بینی نبودن حادثه است. در حقوق نوشته فورس ماژور باید قابل پیش‌بینی نباشد، ولی در نظام کامن‌لا شرط غیر قابل پیش‌بینی در ارتباط با اثبات وجود فورس ماژور ضرورتی ندارد (صادقی‌زبازی و بقایی‌برزآبادی، ۱۳۹۴: ۹۳). به عقیده برخی از حقوق‌دانان، «تئوری امور غیر قابل پیش‌بینی» که ریشه در نظریه مشهور حقوق بین‌الملل تحت عنوان «تغییر بنیادین اوضاع و احوال» یا همان قاعده «ریوس» دارد، از پدیده‌های مربوط به روابط بین‌الملل و پیامد بحران‌های اقتصادی ناشی از دو جنگ جهانی در قرن بیستم است. اما آنچه روشن است اینکه قاعده ریوس در گذشته‌های دور دارای مبدأ و منشأ مذهبی و اخلاقی بوده و حتی آثاری از پذیرش این تئوری در حقوق قدیم روم نیز وجود دارد. بر این اساس در اثر وقوع حوادث غیر قابل پیش‌بینی، قرارداد فسخ یا لغو می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

۳-۵. اجتناب‌ناپذیر بودن تعذر عدم قابلیت دفع قوه قاهره

حادثه‌ای که فورس ماژور تلقی می‌شود، باید غیر قابل اجتناب و به تعبیر دیگر غیر قابل دفع باشد. در واقع، اجرای تعهد با وقوع چنین حادثه‌ای غیر ممکن می‌شود و هیچ کس متعهد به امر غیر ممکن نیست. فقها تصریح کرده‌اند که استناد به عذر عدم امکان اجرای قرارداد، چنانچه مقابله و رفع آن میسر باشد، قابل قبول نیست. در فروع متعددی که در عقود مختلف نظیر بیع، اجاره، صلح، رهن، کفالت و مساقات، مسئله عذر مطرح شده است، همواره شرط ابطال تعهد، «عجز» متعهد است (موسوی بجنوردی، بی‌تا: ۲۴، ۸۳). در حقوق ایران، ماده ۲۲۹ قانون مدنی بدین شرط اشاره می‌کند. در بازنگری جدید قانون فرانسه در سال ۲۰۱۶ میلادی در ماده ۱۱۹۵ قانون فرانسه چنین بیان شده است که در حین اجرای قراردادهای بلندمدت ممکن است که شرایط اقتصادی (همچون بحران‌ها و نوسانات پولی)، سیاسی (همچون جنگ و انقلاب) و مانند آن،

پیش‌بینی‌های طرفین را بر هم زده و سبب ایجاد عدم تعادل در قرارداد شود. خصیصه مشترک این شرایط آن است که خارج از حیطه اراده طرفین هستند. دیوان عالی فرانسه نظریه حوادث پیش‌بینی نشده را که بعضی از حقوق‌دانان از آن به نظریه «حوادث پیش‌بینی نشده» تعبیر کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷۸/۳)، با توجه به امنیت قرارداد مخدوش می‌کند. این نظریه که مبتنی بر اصل لزوم قراردادهاست، بدان مفهوم است که قرارداد بر مبنای وضع متعارف مورد توافق قرار گرفته و متعهد زیان‌دیده اگر می‌توانست شرایط حادث را پیش‌بینی نماید، هیچ‌گاه تن به انعقاد این قرارداد نمی‌داد. در نتیجه باید پذیرفت که تراضی همواره با این شرط ضمنی همراه است که معامله تا زمانی الزام‌آور و محترم است که وضع متعارف کنونی پابرجا بماند. این نظریه در رویه قضایی اداری کشور فرانسه به خوبی شناخته شده بود و از طریق اصلاحیه مزبور و تحت تأثیر حقوق قراردادهای اروپا به حقوق قراردادهای این کشور نیز راه یافت. به منظور تضمین تعادل بین اصل لزوم قراردادها و عدالت قراردادی، ماده ۱۱۹۵ جدید قانون مدنی فرانسه، نظریه حوادث پیش‌بینی نشده را در قالب سازوکار سه مرحله‌ای پیش‌بینی نموده است؛ در مرحله نخست طرفین مجازند زمانی که تغییری اتفاق بیفتد که به هنگام انعقاد قرارداد غیر قابل پیش‌بینی بوده و اجرای قرارداد را برای طرفی که ریسک این خطرات را نپذیرفته دشوار سازد، مجدداً قرارداد را مورد مذاکره قرار دهند. در صورت فرض عدم پذیرش یا شکست مذاکرات، طرفین می‌توانند در خصوص فسخ توافق کنند و یا در صورت رضایت طرفین، از قاضی تقاضای تعدیل قرارداد را بنمایند. نهایتاً در مرحله سوم قاضی می‌تواند در فرض عدم توافق طرفین در طی مدتی معقول، با درخواست یکی از طرفین، قرارداد را بازمینی یا فسخ (فسخ قضایی) نماید (نوری یوشانلویی و شاهین، ۱۳۹۷: ۶).

۶. تلقی تحریم در قراردادهای بالادستی نفتی ایران به عنوان عقیم شدن اجرای قرارداد

۱-۶. مفهوم نظریه

هر گاه به سبب بروز حوادث عام، غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل دفع، تعادل و توازن

قرارداد به هم خورده و یا اهداف قرارداد تغییر کند، اجرای قرارداد مشکل می‌شود که منجر به تعدیل یا حسب مورد فسخ می‌گردد (ابراهیمی و ابوارحسین، ۱۳۹۱: ۱۶).

۲-۶. شرایط تحقق نظریه تغییر اوضاع و احوال

برای تحقق مفهوم اوضاع و احوال، شرایطی لازم است که این شرایط شباهت زیادی به شرایط تحقق فورس‌ماژور دارند که به بررسی این شرایط پرداخته می‌شود.

۱-۲-۶. دگرگونی اساسی اوضاع و احوال

یکی از شرایط اصلی تحقق دگرگونی اساسی اوضاع و احوال این است که تعادل اقتصادی قرارداد به شدت به هم بخورد.

۲-۲-۶. دشواری و سختی اجرای قرارداد

از مهم‌ترین شرایط لازم جهت بازبینی قرارداد، دشواری اساسی در وضعیت تعهدات طرفین قرارداد است. اوضاع و احوال پس از وقوع حادثه باید چنان باشد که اجرای عقد برای یکی از طرفین عقد، جز با صرف هزینه هنگفت و غیر قابل تصور ممکن نباشد.

۳-۲-۶. غیر قابل پیش‌بینی بودن وقوع حادثه

حادثه به وجود آمده باید در زمان انعقاد قرارداد غیر قابل پیش‌بینی باشد؛ در غیر این صورت محقق نمی‌گردد.

۴-۲-۶. غیر قابل کنترل بودن وقوع حادثه

حادثه به وجود آمده باید خارج از کنترل متعهد باشد و چنانچه طرفی بتواند حادثه را کنترل کند، حق استناد به وقوع دشواری اجرای قرارداد را ندارد.

۷. آثار ناشی از تغییر اوضاع و احوال در قرارداد

نظرات حقوق‌دانان در این خصوص متفاوت است. در این بخش ضمن بیان آن‌ها، راه حل‌های تعیین شده را هم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۷. تعهد به مذاکره مجدد

در موارد مربوط و در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی اروپایی حقوق قراردادها، در ابتدا یک تعهد به مذاکره مجدد را مقرر می‌نمایند. اتاق بازرگانی بین‌المللی آی‌سی‌سی مشابه همین نظر را اعلام کرده است:

«طرفین قرارداد ملزم هستند تا در رابطه با شرط قراردادی جایگزین که نتیجه اوضاع و احوال تغییر یافته را به طور متعارف مجاز می‌نماید، در زمانی معقول مذاکره و گفتگو نمایند».

این مذاکره مجدد که ملاحظه گردید مبتنی بر قاعده‌ای کلی است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی نوشته عمومیت یافته است، دیگر نظام‌های حقوقی را برای طرفین اصل غیر عملی شدن قرارداد به رسمیت شناخته است که نمونه آن در قانون تجارت سوئیس که با برخی از نظام‌های حقوقی نوشته همچون آلمان جایی که به موجب ماده ۳۱۳ قانون مدنی آلمان که اخیراً به تصویب رسیده است، پیرامون وضعیت ایجاد شده برای قرارداد اعلام می‌دارد: طرفین ملزم نیستند مذاکره مجددی با یکدیگر داشته باشند. بنابراین مذاکره مجدد به عنوان گفتگو باید مبتنی بر میل باطنی صداقت باشد. برای مذاکره مجدد و مفید نمی‌توان طرفین قرارداد را با تهدید و فشار به انجام آن مجبور نمود. به عنوان جمع‌بندی، تکلیف به مذاکره مجدد نباید مورد دفاع قرار گیرد. با این حال، این مطلب مانع از این می‌شود که پیشنهاد توسط یک طرف به ادامه قرارداد در اوضاع و احوال تغییر یافته مورد قبول واقع گردد؛ هرچند صحبت کردن از خسارت‌های فرعی طرف امکان‌پذیر است (آرایی، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۸). البته همان طور که سابقاً اشاره شد، در اصلاحات اخیر قانون مدنی فرانسه، بحث مذاکره مجدد و فسخ قضایی به موجب ماده ۱۱۹۵ قانون جدید فرانسه پیش‌بینی شده است.

۲-۷. انحلال قرارداد

تعدادی از حقوق‌دانان معتقدند که در صورت تغییر اوضاع و احوال، قرارداد خودبه‌خود منحل می‌شود و در صورت از بین رفتن این موازنه، قرارداد فسخ خواهد شد. تحلیل برخی از حقوق‌دانان این است که نمی‌توان پذیرفت قرارداد همچنان در شرایط

جدید مانند شرایط عادی که در هنگام تشکیل قرارداد است، قابل پیروی باقی بماند، بلکه بر اساس قواعد و اصول باید آن را از سوی طرف مقابل قابل فسخ دانست. در حال حاضر، رویه قضایی بر اصل لزوم قراردادهای تأکید دارد و بروز حوادث پیش‌بینی نشده، تغییر اوضاع و احوال و به هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد را دلیل موجهی برای عدم ایفای تعهد از طرف زیان‌دیده نمی‌داند (توسلی نائینی، ۱۳۹۵: ۹).

با توجه به اینکه قوه قاهره و شرایط تحقق آن، همراه با تغییر اوضاع و احوال مورد بررسی قرار گرفته است، لذا اگرچه در برخی موارد از حیث آثار با یکدیگر شباهت دارند، اما تفاوت‌هایی نیز در تحقق و اثر وقوع این دو نهاد وجود دارد که در این قسمت به مقایسه قوه قاهره و تغییر بنیادین پرداخته می‌شود.

۸. مقایسه تغییر بنیادین اوضاع و احوال با فورس‌ماژور

تحقق قوه قاهره، اجرای قرارداد را کاملاً ناممکن می‌سازد، ولی اثر تغییر اوضاع و احوال، دشواری و عدم قابلیت اجرای تعهد است. در واقع قوه قاهره نوعی تعذر است، ولی تغییر اوضاع و احوال نوعی تعسر است.

نتیجه قوه قاهره سقوط یا تعلیق تعهد است؛ در حالی که نتیجه تغییر اوضاع و احوال (دشواری) تعدیل یا ایجاد حق فسخ است.

۹. تلقی تحریم در قراردادهای نفتی ایران به عنوان انتفای قرارداد یا

هدف (فراستریشن)

انتفای قرارداد یا عقیم شدن قرارداد، معادل فارسی واژه انگلیسی فراستریشن به کار برده شده است. دکترین فراستریشن از نهادهای حقوقی کامن‌لا و مشخصاً نظام حقوقی انگلستان است و کاربرد آن، تفاوت‌های خاصی مشابه با قوه قاهره در نظام حقوقی فرانسه دارد. انتفای قرارداد را در لغت چنین تعریف کرده‌اند: هنگامی که واقعه یا تغییر اوضاع و احوال آن‌چنان اساسی باشد که بر بنیان قرارداد به طور کلی تأثیر می‌گذارد و فراتر از حد انتظار و آن چیزی است که مورد نظر طرفین بوده است،

قرارداد منتفی (عقیم شده) محسوب می‌شود (نیکبخت، ۱۳۷۶: ۲۱).

در فقه و حقوق ایران، نظریه عقیم ماندن هدف به شکلی که در حقوق انگلیس مرسوم می‌باشد، تدوین نشده است، ولی همان گونه که استادان حقوق گفته‌اند، مصداق‌های بارزی از آن به ویژه در اجاره که عقدی مستمر است، دیده می‌شود و باید گفت که بر اساس این نظریه، از زمانی که عقیم شدن اتفاق می‌افتد، قرارداد خاتمه می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۴۰/۱).

۱-۹. جایگاه اثر عقیم شدن موضوع قرارداد در فقه امامیه

این سؤال که آیا انتفای هدف مشترک قرارداد در حقوق ایران و اسلام می‌تواند تأثیری در سرنوشت عقد داشته باشد؟ در بین فقهای امامیه به عنوان قاعده کلی انحلال عقد به واسطه دخالت عوامل خارجی، تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که اجرای قرارداد دچار عذر دائمی گردد (عدم امکان اجرا)، مانند موردی که موضوع تعهد تلف گردد یا اجیر به مرض لاعلاج گرفتار شود. مادامی که اجرای تعهد مقدور باشد، قرارداد منعقد به اعتبار خود باقی است، هرچند که طرفین از رسیدن به اهداف خود محروم گشته باشند. در نظر فقها و آرای فقهی، در صورت انتفای هدف و داعی طرفین نمی‌توان از لزوم ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ خارج شد؛ مگر اینکه عذر باعث تعذر دائمی گردد (صفایی، تقریرات، بی تا). در قراردادهای نفتی در حوزه بالادستی، از آن جهت که یکی از تعهدات پیمانکاران نفتی در این نوع قراردادها، تأمین تجهیزات و انتقال تکنولوژی است و در این تعهدات در قراردادهای جدید نفتی ایران، علاوه بر تعهدات مذکور تأمین مالی پروژه نیز می‌باشد، اعمال تحریم و مسدود شدن کانال انتقال ارز در این نوع قراردادها که جنبه مستمر دارد، عملاً منجر به عدم امکان اجرای قرارداد و منتفی شدن هدف قرارداد می‌شود و به همین دلیل تحریم در قراردادهای نفتی شاید به عنوان یکی از مصادیق عقیم شدن اجرای قرارداد تلقی شود؛ اگرچه این موضوع در سایر قراردادها نمی‌تواند به عنوان یکی از مصادیق عقیم شدن قرارداد تلقی شود.

۲-۹. مقایسه مفهوم تحریم در تغییر بنیادین و عقیم شدن قرارداد

در عقیم شدن، اصل قرارداد به اعتبار خود باقی است. لکن در فراستریشن، شخص

اظهار می‌دارد که این آن چیزی نیست که من تعهد کرده بودم انجام دهم؛ در حالی که در فورس ماژور، شخص مدعی است که من تعهد کرده بودم این کار را انجام بدهم، اما به واسطه حادثه خارجی، توانایی انجام آن را ندارم. افزون بر اینکه منشأ پیدایش عقیم شدن می‌تواند متفاوت باشد، مثلاً قهری؛ بنابراین دایره عقیم شدن و انتفای قرارداد گسترده‌تر از قوه قاهره است.

قوه قاهره باعث ناتوانی متعهد و عدم امکان اجرای تعهد می‌شود؛ اما در نظریه عقیم شدن لازم نیست که هر گونه انتفاع از مورد معامله ناممکن شود (جعفری و تلخایی، ۱۳۸۹: ۸۹).

۱۰. تأثیر تحریم بر اجرای قرارداد

در فرضی که تحریمها در معنای لغوی و مفهوم سیاسی، منطبق با تعریف بین‌المللی باشد، اگر در زمان انعقاد عقد قابل پیش‌بینی باشد، یعنی سابقه تحریم باشد و کاملاً مشهود باشد که تحریم در آینده حادث می‌شود، چون قابل پیش‌بینی است، دیگر مشمول فورس ماژور نخواهد بود. بعضی از حقوق‌دانان گفته‌اند که عقیم شدن قرارداد به سبب ناممکن شدن اجرای قرارداد است و هنگامی رخ می‌دهد که اجرای قرارداد بدون دخالت طرفین به طور واقعی ناممکن شده است و قرارداد عقیم می‌شود (صیادی و برکشلی، ۱۳۹۱: ۸۵). اما اگر تحریم‌ها در زمان قرارداد سابقه نداشته باشد و مشهود نباشد، این بحث مطرح می‌شود که آیا تحت عنوان اینکه قابل پیش‌بینی نبوده، می‌توان این گونه تحریم‌ها را مشمول فورس ماژور قرار داد (همان: ۲۱) که دو فرض فورس ماژور و تعسر قابل بررسی است.

۱-۱۰. نظریه فسخ یا تعلیق بر فرض وقوع فورس ماژور

چنانچه بعد از انعقاد قرارداد، تحریم‌ها اتفاق افتد و سابقه‌ای از اعمال تحریم وجود نداشته باشد، به عنوان یکی از شرایط فورس ماژور یعنی قابل پیش‌بینی بودن حادثه مورد پذیرش است و منجر به معافیت از اجرای قرارداد می‌شود و یا اگر تحریم به صورت موقت باشد، منجر به تعلیق اجرای قرارداد می‌شود تا زمانی که اهداف موضوع قرارداد از نظر طرفین تغییر ننموده باشد. به بیان دیگر، در فرضی که تحریم به عنوان عنصر غیر قابل پیش‌بینی تلقی شود، از مصادیق فورس ماژور محسوب خواهد شد.

۲-۱۰. نظریه تعدیل یا فسخ بر فرض وقوع دشواری اجرای قرارداد (تعسر)

چنانچه تأثیر تحریم بر اجرای قرارداد را فورس ماژور تلقی نماییم، منجر به سقوط تعهد و انحلال قرارداد یا تعلیق می‌شود که در نتیجه موجب برائت متعهد و معافیت او از مسئولیت است. در فرضی که وقوع و اعمال تحریم‌ها در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی باشد و یا سابقاً نیز این تحریم‌ها اجرا می‌شده و احتمال بازگشت آن‌ها به قراردادهای مذکور قابل پیش‌بینی است، در این فرض، دیگر اعمال تحریم منجر به تحقق فورس ماژور نخواهد شد و باید آن را جزء مصادیق دشواری اجرای قرارداد یا تعسر تلقی نمود؛ زیرا با عنایت به اینکه حادثه قابل پیش‌بینی بوده، عملاً داخل در حوزه قاعده فورس ماژور قرار نمی‌گیرد. در نتیجه ضمانت اجرای آن انحلال نیست، بلکه تعدیل، و در صورت عدم امکان تعدیل، نهایتاً فسخ می‌باشد.

۳-۱۰. تعذر در اجرای قرارداد از نظر فقه امامیه و اثر آن در قرارداد

تعذر اجرای قرارداد، از یک طرف با قاعده فقهی «بطلان کُلِّ عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» تطبیق دارد که به موجب آن، اثر تعذر بر قرارداد، بطلان آن است؛ ولی از سوی دیگر، به موجب خیار تعذر تسلیم، اثر تعذر بر قرارداد، خیار برای متعهدله یا مشروطه است. به همین دلیل در قانون مدنی ایران در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹، تعذر اجرای قرارداد مورد اشاره قرار گرفته است و در حقوق ایران پذیرفته شده است. لکن آنچه که در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی بیان شده است، صرفاً ناظر بر تعذر اجرای قرارداد در نتیجه تلف شدن مادی موضوع تعهد است که به سبب قوه قاهره حادث می‌شود.

۴-۱۰. بررسی تحریم به عنوان یکی از مصادیق قوه قاهره در قراردادهای

بالادستی صنعت نفت

در قوانین موضوعه، قراردادهای نفتی به دو دسته اصلی بالادستی و پایین‌دستی تقسیم‌بندی شده است و نظام حقوقی در خصوص تحریم به عنوان مصداق فورس ماژور در حوزه قراردادهای بالادستی نفتی اظهار نظر کرده است که در جهت شناخت این نوع از قراردادها ابتدا آن را تعریف نموده و سپس به جایگاه تحریم در مقررات حاکم بر

قراردادهای بالادستی پرداخته می‌شود.

۵-۱۰. تعریف قراردادهای بالادستی صنعت نفت

عملیات بالادستی نفت به فعالیت‌های متنوع اطلاق می‌شود که منجر به تولید نفت و گاز می‌شود. این فعالیت‌ها شامل انجام کاوش‌های اولیه، عملیات اکتشاف و توسعه میدان از طریق حفر چاه و نصب تجهیزات سطح زمین و نهایتاً تولید است و دلیل این نام‌گذاری و فلسفه آن این است که بالادستی و پایین‌دستی برای حرکت آب رودخانه‌ها به کار می‌رفته است. بخش بالادستی به سرچشمه‌های آب در کوهستان‌ها و بخش پایین‌دستی به حرکت آب به سمت پایین در مسیر رودخانه اطلاق می‌شده است و استفاده از این اصطلاحات در عملیات نفتی از این معنا و مانده است (ذوقی، ۱۳۷۸: ۱۱).

۶-۱۰. مصادیق و اثر فورس‌ماژور در مقررات حاکم بر قراردادهای نفتی

بالادستی

هیئت دولت به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۹ با عنوان «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز»، به تعریف و ساختار کامل قراردادهای بالادستی صنعت نفت اشاره کرده و قواعد آن را تنظیم نموده است. در بند ۳ ماده ۳ مصوبه اعلام شده است:

«در صورت وقوع شرایط فورس‌ماژور (قوه قاهره) در هر کدام از دوره‌های توسعه و بهره‌برداری که ممکن است موجب سقوط تعهد، تعلیق یا فسخ قرارداد نیز گردد، تسویه حساب در مورد مطالباتی که پیمانکار طبق قرارداد مستحق دریافت آن‌ها می‌باشد، تا زمان رفع فورس‌ماژور معلق گردیده و پس از رفع این شرایط در چارچوب ضوابط قرارداد صورت می‌پذیرد».

همان‌طور که مشخص است، مصادیق فورس‌ماژور در مفاد بند مذکور قید نشده و صرفاً نتیجه وقوع فورس‌ماژور بیان شده است که علاوه بر موارد مذکور در قواعد عمومی که اثر فورس‌ماژور منجر به تعلیق یا سقوط تعهد می‌باشد، به نظر می‌رسد ضمانت اجرای جدیدی تحت این عنوان که در نتیجه تحقق فورس‌ماژور تعلیق و فسخ قرارداد محقق می‌شود، پیش‌بینی شده است؛ زیرا نتیجه وقوع فسخ قرارداد، سقوط تعهد

است. سابقاً بررسی شد که با توجه به قواعد عمومی قراردادهای، اعمال تحریم در قراردادهای غیر نفتی می‌تواند تحت عنوان فورس‌ماژور تلقی شود. اما در خصوص اعمال تحریم در قراردادهای بالادستی صنعت نفت که مشمول مصوبات خاص می‌باشد، این سؤال مطرح است که در این گونه قراردادهای نیز تحریم جزء مصادیق فورس‌ماژور تلقی می‌گردد یا خیر؟ علت این بررسی آن است که مقررات حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت، همان طور که بیان شد، تابع مصوبه خاص می‌باشد که متن آن بیان گردید. افزون بر اینکه در بند ۳۷ توافقنامه برجام^۱ با موضوع دستورالعمل حل اختلاف در میان اعضا، در این موضوع (تحریم از مصادیق فورس‌ماژور تلقی شود یا خیر) اتفاق نظر وجود ندارد. به بیان دیگر، به استناد بند ۲ ماده ۲ قانون ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز مصوب ۱۳۹۵/۶/۱ که به بیان فورس‌ماژور پرداخته است، تحریم جزء موارد فورس‌ماژور نیست و شرایط فورس‌ماژور را ندارد؛ زیرا فورس‌ماژور همان طور که سابقاً تعریف شده است، اگر در شرایط عقد اعلام و قابل پیش‌بینی باشد، دیگر مسئله فورس‌ماژور خروج موضوعی دارد. لذا شرایطی که در قراردادهای نفتی منعقد می‌شود، مشمول فورس‌ماژور نخواهد بود (طاهری‌فرد و دیباوند، ۱۳۹۵: ۱۱۵) و قانون‌گذار اثر تحقق فورس‌ماژور را سقوط تعهد، فسخ یا تعلیق اعلام

۱. متن بند ۳۷ از توافقنامه برجام به شرح ذیل است: «متعاقب دریافت ابلاغ طرف شاکی، به نحو مشروح در فوق، به همراه توضیحی از تلاش‌های توأم با حسن نیت آن طرف برای طی فرایند حل و فصل اختلاف پیش‌بینی شده در برجام، شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌بایست منطبق با رویه‌های خود در خصوص قطعنامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌ها رأی‌گیری نماید. چنانچه قطعنامه فوق‌الذکر ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ به تصویب نرسد، مفاد قطعنامه‌های سابق شورای امنیت سازمان ملل متحد مجدداً اعمال خواهند شد، مگر اینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد به نحو دیگری تصمیم‌گیری نماید. در چنین صورتی، این مفاد در خصوص قراردادهایی که بین هر طرف و ایران یا افراد و نهادهای ایرانی قبل از تاریخ اعمال آن‌ها امضا شده باشد، دارای اثر عطف به ماسبق نیست، مشروط به اینکه فعالیت‌های صورت گرفته وفق اجرای این قراردادها منطبق با این برجام و قطعنامه‌های قبلی و فعلی شورای امنیت باشد. شورای امنیت سازمان ملل متحد با ابراز نیت خود برای تصمیم‌گیری مبتنی بر ممانعت از اجرای دوباره و خودکار تدابیر، در صورتی که ظرف این مدت، موضوعی که موجب ابلاغ فوق شده است، حل و فصل شده باشد، دیدگاه‌های طرف‌های اختلاف و هر گونه نظریه صادره توسط هیئت مشورتی را ملحوظ خواهد داشت. ایران بیان داشته است که چنانچه تحریم‌ها جزئاً یا کلاً مجدداً اعمال شوند، ایران این امر را به منزله زمینه‌ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات خود وفق این برجام قلمداد خواهد نمود».

کرده است و بسته به شرایط، عامل فورس ماژور ممکن است قرارداد را معلق یا برای طرفین حق فسخ تعیین نماید که این موضوع نیز مشخص نشده است که در کجا طرفین قرارداد در صورت تحقق فورس ماژور حق فسخ خواهند داشت و حتی مصادیق آن بیان نشده است. نکته دوم این است که فورس ماژور در خصوص تمام قراردادهای نفتی پیش‌بینی نشده است؛ زیرا در مفاد بند خ اعلام شده است که فقط وجود فورس ماژور در قراردادهای دوره توسعه و بهره‌برداری قابل تحقق است، در حالی که ابتدای ماده ۲ این مصوبه به سه قرارداد اشاره نموده است که به دوره‌های توسعه، بهره‌برداری و دوره اکتشاف دوره انجام عملیات اشاره شده، اما فورس ماژور را مشمول دو قرارداد دانسته است و اینکه آیا در نوع سوم قراردادها اصولاً فورس ماژور قابل تحقق است یا خیر؟ قانون‌گذار اظهارنظری ننموده است.

۷-۱۰. اثر بازگشت تحریم در قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت به عنوان

مصدق فورس ماژور و راهکار قانون ایران در قراردادهای بالادستی نفتی

نقض برجام و اعمال تحریم از ناحیه یک کشور در عنوان قرارداد بین‌المللی نفتی نمی‌تواند اثر تحریمی شورای امنیت سازمان ملل را داشته باشد. بنابراین تحریم‌های تعیین شده از سوی کشورهای عضو، هیچ تأثیری در قراردادهای نفتی نخواهد گذاشت. به بیان دیگر، طرف قرارداد نمی‌تواند به استناد تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از اجرای قرارداد استنکاف نماید و به فورس ماژور استناد نماید (همان: ۱۲۸). اگر تلقی تحریم از حیث بین‌الملل، بحث تحریم شورای امنیت باشد، با شرایط فورس ماژور باید تطبیق داده شود که آیا مشمول فورس ماژور است یا خیر؟ به هر حال، برجام یک توافق بین‌المللی نزاکتی است که می‌تواند مفهوم تحریم در حوزه سازمان ملل را خارج نماید.

با توجه به مفاد قراردادهای جدید نفتی، آیا با وضع دوباره تحریم، این موارد در قراردادهای گذشته اثر دارد یا خیر؟ اگرچه بر اساس نظریه دیگر، تحریم جز فورس ماژور نیست، لکن آثار یک قرارداد نفتی و تعهدات آن تنها به استخراج و کشف ختم نمی‌شود به این معناست که وضع تحریم یا بازگشت تحریم نسبت به قراردادهایی که تا قبل از تحریم منعقد شده، اثری ندارد (همان: ۳۱). بدین ترتیب، ظاهر مواد مطلوب بوده و

منطقی است. اما با تدقیق بیشتر در این موضوع مشخص می‌گردد با توجه به اینکه ویژگی قراردادهای سرمایه‌گذاری از نوع نفت و گاز طولانی بودن مدت آن است و این موضوع مستلزم گردش مالی در طول اجرای قرارداد می‌باشد، هرچند که علی‌الظاهر تحریم جدید و بازگشت تحریم‌ها بر روی قراردادهای نفتی اثری نخواهد گذاشت، اما انجام تعهدات بعد از تحریم را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۸-۱۰. راهکار حقوق ایران

به دنبال مصوبه هیئت دولت تحت عنوان شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز، تصویب‌نامه دیگری تحت عنوان نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ تصویب گردید و در ۱۳۹۵/۶/۱۰ اصلاحیه‌ای بر مصوبه اعلام گردید که در انتهای این مصوبه در بند ۹ صراحتاً اشاره شده است که «در تدوین قراردادها باید بندهای ۱۴ و ۱۵ اجرایی قطعنامه شماره ۲۲۳۱ و بند ۳۷ برجام رعایت شود». به موجب بندهای ۱۴ و ۱۵ قطعنامه ۲۲۳۱ و بند ۳۷ برجام، تحریم‌ها بعد از نقض برجام عطف به ماسبق نمی‌شود، که هیئت دولت در مصوبه اخیر با اعلام و اصلاح این بند به صورت ضمنی پذیرفته است که تحریم‌ها نمی‌تواند جزء مصادیق فورس‌ماژور تلقی شود و چون به موجب بندهای ۱۴ و ۱۵ عطف به ماسبق نمی‌شود، لذا متعهد نمی‌تواند در مقابل اعمال تحریم‌های قطعنامه ۲۲۳۱ به فورس‌ماژور استناد نماید.^۱

۱. بندهای ۱۴ و ۱۵ قطعنامه شماره ۲۲۳۱ تأیید می‌کند که اجرای شروط قطعنامه‌های قبلی طبق بند ۱۲، درباره قراردادهایی که بین هر طرفی و ایران یا افراد و نهادهای ایرانی پیش از تاریخ اجرا امضا شده است، عطف به ماسبق نمی‌شود، البته به شرط اینکه فعالیت‌هایی که با اجرای این قراردادها انجام می‌شود، با طرح جامع مشترک اقدام، این قطعنامه و قطعنامه‌های قبلی سازگاری و همخوانی داشته باشد و تأیید می‌کند که هر گونه اجرای شروط قطعنامه‌های قبلی طبق بند ۱۲ با این منظور نیست که به افراد و نهادهایی که پیش از اجرای این شروط با ایران یا افراد یا نهادهای ایرانی تجارت داشته‌اند که البته به شرطی که مطابق با طرح جامع مشترک اقدام و این قطعنامه بوده باشد، زیان بزنند. همچنین کشورهای عضو را تشویق می‌کند که با یکدیگر در رابطه با چنین زیان‌هایی مشورت کنند و برای جلوگیری از چنین زیان‌های ناخواسته‌ای به این افراد و نهادها تلاش کنند، و تصمیم می‌گیرد اگر شروط قطعنامه‌های قبلی طبق بند ۱۲ اجرا می‌شود، تدابیری را که عطف به ماسبق درباره افراد و نهادها به علت فعالیت‌های تجاری آنها با ایران می‌شود، فعالیت‌هایی که مطابق با طرح جامع مشترک اقدام، این قطعنامه و قطعنامه‌های قبلی پیش از اجرای این شروط باشد، اعمال نکند.

با این استدلال در مفاد قراردادهای بالادستی، تحریم به صورت ضمنی به عنوان یکی از مصادیق فورس ماژور تلقی شده است، لکن با توجه به اینکه استناد به اعمال تحریم بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام محتمل است، لذا دولت جمهوری اسلامی با تصریح بندهای قطعنامه در مفاد قراردادهای نفتی مانع از آن شده است که متعهد به استناد عنوان تحریم، از اعمال تعهدات خود استنکاف نماید. در واقع علاوه بر اینکه این شرط در قرارداد درج شده است، وجود تحریم مجدد به عنوان حادثه قابل پیش‌بینی محرز است و از این حیث نمی‌تواند از اجرای تعهد خود استنکاف کند. اما در سایر قراردادهای غیر نفتی، تحریم‌ها در صورتی که قابل پیش‌بینی باشد، دیگر از حوزه فورس ماژور خارج شده و تحت عنوان تغییر اوضاع و احوال یا سختی اجرای قرارداد قرار می‌گیرد. در خصوص تحریم‌های کشور ثالث نیز ضمانت اجرای تحریم‌های سازمان ملل را ندارد. به بیان دیگر، صرفاً تعهدات مندرج در شورای امنیت قابل اعمال است و در مصوبه نیز به مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ اشاره شده است نه تحریم‌های کشورهای ثالث؛ اما از نظر حقوق تجارت بین‌الملل، تحریم بانکی از مصادیق فورس ماژور خواهد بود. تحریم بانکی به عنوان یکی از مصادیق فورس ماژور در ماده ۳۶ یوسی‌پی می‌تواند از موجبات رافع مسئولیت بانک گشاینده اعتبار اسنادی محسوب شود (ضیایی و تلبا، ۱۳۹۴: ۲۲).

نتیجه‌گیری

الف) با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت سازمان ملل و بند ۳۷ برجام با موضوع عطف به ماسبق نشدن تحریم‌ها علیه طرفین قرارداد و قید بندهای مذکور به موجب اصلاحیه تنظیمی مورخ ۱۳۹۶/۵/۱۰ تحت عنوان بند ۹ تصویب‌نامه نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی در هیئت وزیران، تحریم به صورت صریح از مصادیق فورس ماژور خارج شده است.

ب) هیئت دولت با درج بندهای مذکور (قطعنامه ۲۲۳۱ و بند ۳۷ برجام) در قراردادهای نفتی، مانع از توسل متعهد به وقوع فورس ماژور به واسطه بازگشت تحریم‌ها شده است. دولت با اصلاحیه این عنوان، به این مناقشه که آیا تحریم می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق فورس ماژور در قراردادهای نفتی تلقی شود یا خیر؟ پایان داده است.

ج) دولت‌های میزبان بر مبنای مصلحت عمومی، حقی برای خود قائل هستند و از طرفی، از استمرار بودن و وصف استراتژیک این نوع از قراردادهای نفتی می‌توان نتیجه گرفت که وقوع تحریم و اجرای آن توسط کشورها می‌تواند صرفاً منجر به تحقق دشواری اجرای قرارداد شود که اصولاً به معنای از بین رفتن مسئولیت نیست؛ زیرا نتیجه تحقق دشواری اجرای قرارداد، صرفاً مذاکره مجدد است که با مصوبه هیئت دولت اگرچه صراحتاً وقوع تحریم را از موارد تعدیل اعلام ننموده است و صرفاً آن را از معافیت از مسئولیت متعهد خارج نموده است، لکن به دلیل موارد مذکور، گرایش به تعدیل و یا مذاکره مجدد در این نوع از قراردادها امری قابل قبول محسوب خواهد شد.

کتاب‌شناسی

۱. آمدی، سیف‌الدین ابوالحسن علی بن ابی‌علی بن محمد، *الاحکام فی اصول الاحکام*، قاهره، بی‌نا، ۱۳۸۷ ق.
۲. ابراهیمی، سیدنصرالله، و شادی او یارحسین، «آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس‌ماژور»، *دانش حقوق مدنی*، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۳. ابراهیمی، سیدنصرالله، و فرخ جواندل جانانلو، «مدیریت تفسلی ریسک در تنظیم قراردادهای بین‌المللی نفت»، *مطالعات حقوق انرژی*، دوره اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۴. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، «برجام به مثابه توافق بین‌المللی: کاوشی در ماهیت و ضمانت اجرا»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره ۴ (پیاپی ۴۸)، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۵. بامری، مسلم، «برجام و تأثیر آن بر مناسبات اقتصادی ج.ا. ایران»، *پژوهش ملل*، دوره سوم، شماره ۳۰، خرداد ۱۳۹۷ ش.
۶. توسلی نائینی، منوچهر، «بر هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد و پیش‌بینی شرط هاردشیپ در قراردادهای بین‌المللی»، *دانش حقوق مدنی*، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۷. جعفری، علی، و مجید تلخایی، «بررسی تطبیقی تعذر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس»، *ماهنامه معرفت*، سال نوزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۱۴۸)، فروردین ۱۳۸۹ ش.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
۹. جعفری ملایر، زهرا، *بررسی فقهی و حقوقی نقش تحریم‌ها بر حوزه تجارت بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. حاتمی، علی‌اصغر، *بررسی تطبیقی فورس‌ماژور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، پاییز ۱۳۸۷ ش.
۱۱. حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی، *عناوین الضمان؛ اسباب و مستقطات*، ترجمه محمدجواد شریعت باقری، تهران، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. دلخوش، علیرضا، «برجام و پس‌برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *سیاست خارجی*، سال سی و یکم، شماره ۱ (پیاپی ۱۲۱)، بهار ۱۳۹۶ ش.
۱۳. ذوقی، ایرج، *مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران*، چاپ پنجم، تهران، پازنگ، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. سجادی، سیدجعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
۱۶. سنهوری، عبدالرزاق احمد، *مصادر الحق فی الفقه الاسلامی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۷. صادقی زیازی، حاتم، و افسانه بقایی برزآبادی، «آثار حقوقی تحریم‌های بین‌المللی هوشمند در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت با تأکید بر تدارکات در صنعت نفت ایران»، *حقوقی بین‌المللی*، سال سی و دوم، شماره ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۱۸. صفایی اصل، عباس‌علی، *تأثیر اسباب خارجی در مسئولیت قراردادی با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. صیادی، محمد، و فریدون برکشلی، «اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های بین‌المللی نفتی بر بخش انرژی ایران»، *معاونت پژوهشی‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک*، شماره ۱۵۵، مهر ۱۳۹۱ ش.

۲۰. ضیایی، سید یاسر، و مهدی تلبا، «تأثیر تحریم بانکی به مثابه فورس‌ماژور بر نظام حقوقی گشایش اعتبار اسنادی»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، دوره بیست و دوم (دوره جدید)، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۲۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق معاهدات بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. طاهری فرد، علی، و هادی دیباوند، «بررسی قراردادهای نفتی ایران (IPC) در چارچوب شاخص‌های اقتصاد مقاومتی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال نهم، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۲۳. طباطبایی قمی، سید تقی، *الانوار البهیه فی القواعد الفقهیه*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۴. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم، *سؤال و جواب*، قم، علوم اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. فیومی مقری، احمد بن محمد بن علی، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، دار الرضی، بی‌تا.
۲۷. کاتوزیان، ناصر، *دوره عقود معین*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱ ش.
۲۸. همو، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، میزان، ۱۳۸۲ ش.
۲۹. همو، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، میزان، ۱۳۸۵ ش.
۳۰. کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل‌البتین، لایحه التراث، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه*، تهران، سمت، ۱۳۷۴ ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه*، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. ملاکریمی، امید، و محمود جلالی، «ماهیت "برجام" از منظر حقوق بین‌الملل»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره چهل و هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶ ش.
۳۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، تقریر محمد علی توحیدی تبریزی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۵. نجفی، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۳۶. نوری یوشانلو، جعفر، و ابوالفضل شاهین، «نوآوری‌های حقوق قراردادهای جدید فرانسه و تطبیق آن با نظام حقوقی ایران»، *پژوهش حقوق خصوصی*، سال ششم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۳۷. نیکبخت، حمیدرضا، «آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره پانزدهم، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۶ ش.

